هوالعليم

دو بيان نوين و عميق از امكان ملاقات خدا (2)

بيان دوّم

برگرفته از آثار:
حضرت علاّمه آية الله حاج سيّد محمد حسين حسيني تهراني
قدّس الله نفسه الزّكيّه

بسم الله الرّحمن الرّحیم
الحمدُ لله ربّ العالَمین
و السّلام علی خیرِ خَلقه محمّدٍ و أهلِ بیته أجمَعین
و لعنةُ الله علی أعدائهم إلی یوم الدّین

تمام موجودات عالم آیات الَهی‌اند

طریق و جهت دوم: استدلال دیگر [بر اینکه انسان می‌تواند به شرفِ ملاقات خدا برسد] این است که: قرآن مجید تمام موجودات را، از موجودات زمینی و آسمانی، موجوداتی که دارای نفس هستند و نیستند، اینها را «آیه» عنوان می‌کند و می‌گوید: اینها آیات خدا هستند.

ما اوّل برای شما آیه را معنی می‌کنیم تا اینکه ببینیم قرآن چه می‌خواهد بگوید، و اینها را که اسم آیه رویش گذاشته، به چه قسم می‌خواهد به ما معرّفی کند.

آیه یعنی نشان دهنده و علامت. امّا علامت: هر چیزی که شما در این عالم می‌بینید که علامت چیزی است، یک جهت خودی دارد، یک جهت علامتیّت و آیتیّتِ برای غیر دارد. پرچمی که درِ خانه می‌زنید، یعنی اینجا روضه است؛ این یک جنبه استقلالی دارد که این پرچم رنگش سبز است، چوبش فلان است، به اینجای دیوار کوفته شده است، در روی این پرچم چنین نوشته شده است، خطّش از مرکّب است یا از نخ دوخته شده؛ اینها جنبه‌های خصوصی آن پرچم است؛ امّا یک جنبه آیتیّت نیز دارد؛ این پرچم دلالت می‌کند که در این مجلس و این منزل، محفلی است. مردم به این مجلس دعوت می‌شوند؛ پس در این پرچم، یک جنبه آیَتیّت هست.

امّا یک چیزی که به هیچ‌وجه من الوجوه جنبه خودیّت نداشته باشد و جنبه ارائه غیر داشته باشد، آن آیه محض است. مثلًا شما فرض کنید ما یک عینکی داریم، با آن عینکمان تماشا می‌کنیم؛ باز این عینک یک خودی دارد، یک جنبه ارائه غیر دارد. جنبه خودیّت این عینک چیست؟ اینکه این شیشه‌اش سفید رنگ است، به شکل دایره یا به شکل ذوزنقه است، این شیشه‌اش از فلان کارخانه است؛ اینها جنبه‌های خودیّت است. جنبه ارائه غیر این است که فقط غیر را نشان می‌دهد. اگر انسان به جنبه خودیّتِ این عینک بنگرد هیچ غیر را نمی‌بیند؛ مثلًا انسان عینک را تماشا کند، ببیند که این شیشه‌اش چه قسم است؟ آیا موج دارد یا ندارد؟ مال چه کارخانه‌ای است؟ شکلش چیست؟ اصلًا نمی‌بیند. وقتی که عینک را به چشم بزند و متوجّه شیشه‌اش نباشد، با این شیشه متوجّه غیر باشد، تمام موجودات را با آن می‌بیند. این جنبه ارائه است، جنبه آیَتیّت است، یعنی جنبه نشان دادنِ غیر.

لحاظ دو جنبه آلی و استقلالی در موجودات

آب صاف همین‌طور است؛ شما در یک استخری یا یک حوضی که آب صاف و آرام است، هیچ موج ندارد. بیایید کنار آن بایستید، می‌بینید به‌به! عکس تمام این درخت‌های کنار این دریاچه و کنار این استخر و حوض، و عکس ماه و خورشید و ستارگان و حتّی عکس خودتان و افرادی که کنار آن دریاچه و حوض ایستاده‌اند، در آن حوض پیداست! این مال جنبه ارائه است که این آب چیز دیگر را نشان می‌دهد.

ولی آب اگر خودی داشته باشد، یعنی خودنما باشد، مثلًا موج داشته باشد، یا آلوده باشد، دیگر نمی‌تواند غیر را نشان بدهد، عکس در آن آب منعکس نیست.

آیینه همین‌طور است؛ آیینه یک جنبه خودی دارد، اینکه جنسش از شیشه است، فلان مقدار وزن دارد، یک مادّه‌ای به نام جیوه پشتش مالیده‌اند، اینها خودی‌های آیینه است. یک جنبه غیریّت دارد که غیر را نشان می‌دهد. هر چه جنبه خودیّت آیینه کمتر باشد، غیر را بهتر نشان می‌دهد... .[1]

... آیینه خوب، آن آیینه‌ای است که هیچ این جهات در آن نباشد؛ جنبه خودیّتش کم باشد، خود نشان ندهد. وقتی شما در آیینه نگاه می‌کنید، غیر از خودتان هیچ نبینید؛ شما را نشان بدهد؛ این می‌شود آیینه، این می‌شود آیه. این طور درست شد؟ این را خوب فهمیدید؟ این معنی آیه است؛ آیه یعنی فقط علامت و نشانه.

قرآن مجید می‌گوید: تمام این موجودات آیه‌اند، آیه خدا. آیه خدا یعنی: آیینه خدا؛ یعنی چه؟ یعنی نشان دهنده خدا.

و این از اختصاصات قرآن است و خیلی عجیب است که قرآن مجید تمام این خصوصیّات را می‌گوید: انحصار به ذات مقدّس پروردگار دارد و همه اینها آیه است. این خیلی عجیب است که تمام اینها را منحصر به پروردگار می‌کند و همه را می‌گوید: آیه... .[2]

اموری که خداوند در قرآن از آنها تعبیر به آیه می‌کند

در سوره بقره می‌خوانیم:

﴿إِنَّ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلافِ اللَّیْلِ والنَّهارِ والْفُلْکِ الَّتِی تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِما یَنْفَعُ النَّاسَ وَما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّماءِ مِنْ ماءٍ فَأَحْیا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَبَثَّ فِیها مِنْ کُلِّ دَابَّةٍ وتَصْرِیفِ الرِّیاحِ وَالسَّحابِ الْمُسَخَّرِ بَیْنَ السَّماءِ والْأَرْضِ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ﴾[3].

---

[1] تفسیر آیه نور ﴿الله نور السموت و الارض﴾، ص ۱۲۹ ـ ۱۳۱.

[2] همان، ص ۱۳۱ ـ ۱۳۲.

[3] سوره البقرة (۲) آیه ۱۶۴.

به‌به! چه خوب بیان می‌کند، می‌گوید: «در آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلافی که شب و روز با هم پیدا می‌کنند- بعضی اوقات روز کوتاه‌تر و شب بلندتر و بعضی اوقات به عکس است، و در نقاط مختلفه دنیا، در هر نقطه به کیفیّت مخصوص، این دگرگونی و اختلاف مشاهده می‌شود- و این کشتی‌هائی که روی این دریاها حرکت می‌کند و مسافرین و مال‌التّجاره را از این طرف به آن طرف حمل می‌دهد، و با باد این کشتی روی این آب‌ها حرکت می‌کند، اینها همه آیه است؛ این آب‌های رحمتی که ما از آسمان به صورت باران پائین می‌ریزیم، قطره قطره- یک مرتبه در آسمان را باز نمی‌کنیم و یک رودخانه کرج را روی سر مردم بریزیم- این آب‌ها را به صورت قطره قطره منتشر می‌کنیم، به صورت باران می‌ریزیم و زمین را زنده می‌کنیم بعد از اینکه مرده بود، و ما به وسیله این آب از هر جنبنده و دابّه‌ای در روی زمین برای شما خلق می‌کنیم، خلقت خود شما، هر جنبنده‌ای، اقسام حیوانات، پرندگان، طُیور، ماهیان دریائی و نباتات و جمادات، تمام اینها به واسطه همین آب است؛ اینها همه آیه است؛ و این ابرهائی که بین آسمان و زمین مُسخّرند و به امر پروردگار به این طرف و آن طرف حرکت می‌کنند؛ و این بادهائی که می‌وزد از این طرف و آن طرف، زمین را خنک می‌کند، سرد می‌کند، ملایم می‌کند، تلقیح می‌کند، درختان را آبستن می‌کند، وظائف دیگری که دارد؛ تمام اینها آیات است، نشانه‌هاست؛ ﴿لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ برای آن افرادی که عقلشان را به کار می‌اندازند و اینها را آیه می‌بینند!»[1]

پس هرکس نگاه کند به هر موجودی از موجودات، خدا را دیده، و لقاء خدا از این روشن‌تر؟ این‌قدر آسان‌تر؟ به اندازه‌ای آسان است که انسان غیر از خدا را نمی‌تواند ببیند. آن کسی که با وجود این آیات می‌گوید: خدا نیست و غیر خدا هست. دیگر آن عین **«عَمِيَت عَينٌ لا تَراكَ عَلَيها رَقيبًا»**[2] و کور است...[3]

تفسیری زیبا از آیه شریفه ﴿سَنُرِيهِمْ آياتنا فی الآفاق وفی أنفسهم﴾

علی کلّ تقدیر، آیه عجیبی است در قرآن مجید می‌فرماید:

---

[1] تفسیر آیه نور ﴿الله نور السموت و الارض﴾، ص ۱۳۴ ـ ۱۳۵.

[2] الله شناسی، ج ۳، ص ۲۱۱، تعلیقه: «مرحوم آیةالله شهید حاج سیّد محمّد علی قاضی طباطبائی- رضوان الله علیه- معلّق محترم کتاب الفردوس الأعلی، تألیف آیةالله شیخ محمّدحسین کاشف الغطاء- رضوان الله علیه- در تعلیقه خود بر این کتاب فرموده‌اند: "این کلمات درخشان با اندک تغییری، از عبارات دعای عرفه است که سیّدالشّهداء سلام الله علیه بدان دعا نموده‌اند، و سیّد رضیّ‌الدّین بن طاووس(قدّه) آن را در کتاب خود إقبال نقل کرده است. "القاضی الطّباطبائی. حقیر مفصّلًا پیرامون این دعا در ج ۱ الله شناسی، از ص ۲۵۱ تا ص ۲۷۳ بحث کرده‌ام؛ و روشن شده است که از ادعیه ابن عطاء اسکندری متوفّی در سنه ۷۰۹ می‌باشد. و حاصل سخن آنست که: این دعا دعای بسیار خوب با مضمون رشیق و عالی است و خواندن آن در هر وقت مساعدی که حال اقتضا کند، مغتنم و مفید می‌باشد؛ امّا إسناد آن به حضرت سیّدالشّهداء علیه السّلام جائز نیست؛ و الحمدُ للّهِ أوّلًا و آخِرًا و ظاهرًا و باطنًا»

[3] تفسیر آیه نور ﴿الله نور السموت و الارض﴾، ص ۱۳۹.

﴿سَنُرِيهِمْ آياتِنا فِي الْآفاقِ وفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَ ولَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ، أَلا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقاءِ رَبِّهِمْ أَلا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ﴾ ُ یعنی ما به زودی آیات خود را به اینها نشان می‌دهیم در دو جا، یکی: در آفاق، یعنی در خارج از وجود خودشان، کوه و دَر و دشت و بیابان و سبزه و آب و خورشید و ماه و کشتی و باد و ابر و اختلاف شب و روز و زن‌ها و مردها و بلبلان و حیوانات چرنده و درنده و ماهی‌های دریا و مرغِ هوا، تمام اینها آیات پروردگار و آیینه‌هائی است که ما قرار دادیم؛ آیه یعنی: آیینه، تمام این موجودات آیینه خدا هستند؛ هرکس یک آیینه دست می‌گیرد و تماشا می‌کند. حالا شما فکر کنید خدا چه اندازه به ما آیینه داده از این آیات؟! آخر هریک از این آیاتی که ما با او خدا را می‌بینیم یک آیینه است دیگر؛ یک آیینه به دست ما نداده، به دست هر فردی در هر لحظه‌ای میلیاردها آیینه داده! که با هر آیینه‌اش می‌شود خدا را از جنبه‌ای دید و خداوند را ملاقات کرد و به شرف او رسید، امّا اگر انسان آن موجود را موجود نبیند، آیه ببیند، آیینه ببیند؛ همین‌طوری که اگر شما می‌روید دکّان آیینه فروشی، آیینه را می‌گیرید و خود آیینه را می‌خواهید تماشا کنید، عکستان را نمی‌بینید، امّا اگر بخواهید خودتان را ببینید دیگر انصراف از آیه و آیینه پیدا می‌کنید و آن جنبه ارائه آیینه را تماشا می‌کنید، همین‌طور به تمام موجودات به این نظر نگاه کنید! زید را می‌بینید او را نبینید، خدا را ببینید! عَمْرو را می‌بینید، درخت را می‌بینید، بلبل را می‌بینید، آب را می‌بینید، تمام اینها مظاهرند، یعنی محلّ ظهور خدا است، یعنی این چیزی نیست، این ظهور خداست، «مَجلی» یعنی محلِّ تجلّیِ خداست، یعنی این چیزی نیست، خدا در این جلوه کرده، پس جز خدا چیزی نمی‌بیند. ما آیات را در آفاق و أنفس به آنها نشان خواهیم داد.

أنفس چیست؟ یعنی خودت را بنگر! از خارج بیا در نفس! خود نفس هم یک آیه‌ای است، یک آیه بزرگی است و بزرگ‌ترین آیه است و حتّی بسیاری قائلند بر اینکه آیه نفس از سایر آیات مهم‌تر است و افرادی که از راه تفکّر به نفس و توجّه به نفس می‌خواهند به سیر کمالی خود ادامه بدهند، سریع‌تر و زودتر به مقصود می‌رسند؛ چون بالأخره با یک آیینه بزرگ‌تری که توأم با ذات خود اوست و نزدیک‌تر از هر چیز به خود اوست، می‌خواهند پروردگار را تماشا کنند. ما آیات را در آفاق و أنفس به اینها نشان می‌دهیم تا اینکه بر اینها روشن بشود که او حقّ است و بس! چقدر لطیف می‌گوید: اگر به هستی تمام این موجودات مستقلًّا نظر بکنید، همه باطلند، و خدا حقّ است و بس. در تمام عوالم (أَنَّهُ الْحَقُّ) خداست و بس! خدا زنده است، خدا علیم است، خدا حکیم است، خدا قدیر است، خدا خبیر است و در تمام موجودات اثری از این اسماء و صفات نیست.

﴿أَ وَ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾؛ «آیا کافی نیست بر خدای تو اینکه او بر هر چیزی شهید است؟!» یعنی اطّلاع دارد و هِیمَنه و سیطره دارد و تمام موجودات در دستان با کفایت پروردگار قرار دارند و به لسان تکوین و وجود، در محضرِ او مشهود و مندکّ در ذات او هستند.

نباید به لقاء خدا شک داشت!

﴿أَلا إِنَّهُمْ فِی مِرْیَةٍ مِنْ لِقاءِ رَبِّهِمْ﴾ با وجود این آیات پس دیگر کسی نباید به خدا و لقاء او شکّ داشته باشد، چون تمام این آیات آفاقیّه و أنفسیّه دارند خدا را نشان می‌دهند، امّا ﴿إِنَّهُمْ فِی مِرْیَةٍ﴾ «این مردم در شکّند.» که آیا خدا را می‌بینند یا نمی‌بینند؟ عجیب که این آیه: ﴿أَلا إِنَّهُمْ فِی مِرْیَةٍ مِنْ لِقاءِ رَبِّهِمْ﴾ دنبال آن آیه است که می‌گوید: ﴿سَنُرِیهِمْ آیاتِنا فِی الْآفاقِ وَ فِی أَنْفُسِهِمْ﴾؛ یعنی این ارائه آفاق و أنفس، این آیات آفاقیّه و أنفُسیّه فقط برای لقاء است. تمام این آیات، آیات لقاء است، امّا این مردم ﴿فِی مِرْیَةٍ مِنْ لِقاءِ رَبِّهِمْ أَلا إِنَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ مُحِیطٌ﴾ «آگاه باش! که خدا به هر چیزی محیط است» در هر چیزی که اسمِ آن را شیء و چیز می‌توانید بگذارید، پروردگار بوجودهِ و بأسمائِهِ و صِفاتِهِ بر آن چیز احاطه دارد و حقیقت آن چیز مندکّ در اسماء و صفات خداست؛ یعنی خداست.

بنابراین، این آیه هم از آن آیه‌های بسیار عجیبِ قرآن است که جاهای بحث روی آن هست و خیلی انسان باید روی آن دقّت کند و لقاء خدا را خوب این آیه برای ما ثابت می‌کند؛ و همچنین آیات دیگری که ما درباره آیات و نشانه‌های الَهی، برای شما بیان کردیم.

خُب! بنابراین آیاتی هم که در عالم وجود هست، این آیات خدا را نشان می‌دهد؛ امّا اگر انسان به تمام این موجودات به نظر آیَتیّت و مِرآتیّت ننگرد و آنها را مستقلّ ببیند، خدا را نمی‌بیند. اگر انسان به این آب، به این درخت، به این کوه به نظر آیتیّت ننگرد، خُب خدا را نمی‌بیند، این را می‌بیند، و این سدٌ راه لقاء خدایش می‌شود.

عده‌ای آیات الَهی را می‌بینند ولی باز ایمان نمی‌آورند کما اینکه قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیَةً وَما کانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ﴾[1]، «در این چیز آیه بود؛ امّا اکثریّت مردم ایمان نیاوردند.» یعنی او را به عنوان آیتیّت ندیدند، او را مستقلّ دیده‌اند، باید او را آیه ببینند، با او خدا را ببینند، امّا اکثریّت ندیدند. این آیه درباره بسیاری از پیغمبران که قوم خود را دعوت کردند آمده، ﴿إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیَةً وَما کانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ﴾ اکثریّت ایمان نیاوردند.

﴿وَإِنْ یَرَوْا کُلَّ آیَةٍ لا یُؤْمِنُوا﴾[2] «اگر هر آیه را اینها ببینند ایمان نمی‌آورند.» یعنی آیه را آیه نمی‌بینند.

﴿وَ ما تَأْتِیهِمْ مِنْ آیَةٍ مِنْ آیاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا کانُوا عَنْها مُعْرِضِینَ﴾[3] «هر آیه‌ای از آیات خدا می‌آید که با آن آیه

---

[1] سوره الشّعراء (۲۶) آیه ۸.

[2] سوره الأعراف (۷) قسمتی از آیه ۱۴۶.

[3] سوره الأنعام (۶) آیه ۴ و سوره یس (۳۶) آیه ۴۶.

باید خدا را ببینند، اینها إعراض می‌کنند.» یعنی به آن آیه به جنبه استقلال می‌نگرند، نه به جنبه آیتیّت...[1]

خداوند به پیغمبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم آیه کبرای خود را نشان داد

علی کلّ تقدیر، این آیات قرآن است که تمام این موجودات را آیه می‌گوید و همه‌اش را می‌گوید خدانماست؛ و درباره پیغمبر اکرم در شب معراج می‌گوید: ﴿فَأَراهُ الْآيَةَ الْكُبْرى﴾[2]؛ «خداوند به پیغمبر اکرم آیه کبری را نشان داد.» یعنی آن آیه‌ای که از همه بزرگ‌تر است؛ چون تمام موجودات آیینه هستند، امّا آیینه‌ها فرق دارد. شما آیینه در دستتان می‌گیرید کوچک است فقط با آن دندانتان را می‌بینید، یک آیینه بزرگ‌تر است دهانتان را می‌بینید، یک آیینه بزرگ‌تر است صورت، یک آیینه بزرگ‌تر است نیم تنه، یک آیینه بزرگ‌تر است تمام قدّ، آیینه تمام‌نما، یک آیینه‌ای فرض کنید که شما در مقابل خودتان بگذارید و درون بدنتان را هم ببینید، سلّول‌هایش را هم ببینید، جریان خون و ضربان قلبتان را هم ببینید، یک آیینه‌ای فرض کنید که جلوی خودتان قرار بدهید، فکر خودتان را هم بخوانید، مقدار علوم و قدرت و شجاعت شما هم در آن آیینه نشان داده بشود؛ آیینه‌ها فرق می‌کنند. تمام عالم وجود آیینه است، «ای آفتاب آیینه دار جمال تو»[3] آفتاب هم یک آیینه دارِ جمال خداست؛ امّا یک آیینه هست که هر چه هست، در او مشهود و هویداست، و آن آیینه بزرگ است.

پیغمبر صلّی الله علیه و آله و سلّم رسید به آن مقامی که خداوند آن آیینه کبری را به او نشان داد؛ یعنی وجود او را در اسم أعظم و اوّلین تجلّی و در مقام أحدیّت مندکّ و محو کرد؛ و از نقطه نظر مقام واحدیّت، آن آیینه خدا را نشان می‌دهد، یعنی ذات مقدّس پروردگار را؛ در آن ذات فانی شد، و در مقام بقاء به اسم واحدیّت متحقّق شد، که تمام موجودات و این آیات همه در آن اسم مندکّ است. آن آیینه از طرفی ذات را نشان می‌دهد و از طرفی در آن آیینه و در آن اسم تمام این آیینه‌ها و تمام این آیات مندکّ است. و عجیب آیه‌ای است ﴿فَأَراهُ الْآيَةَ الْكُبْرى﴾.

انسان یا خودبین یا خدابین است

خُب! پس بنابراین ما امشب از این دو طریق استدلال کردیم که قرآن مجید بالصّراحه می‌گوید: لقاء خدا هست: یکی از ناحیه آیات و نشانه‌ها؛ یکی از ناحیه همان آیاتی که دلالت می‌کرد بر انحصار سمع و بصر و علم و قدرت و ... در ذات مقدّس پروردگار؛ که بایستی انسان در مقام علم و عمل یک کمی حرکت بکند تا اینکه کم‌کم به حول و قوّه خدا جنبه‌های خودبینی از او بیرون برود و جنبه‌های خدا بینی پیدا بشود.

---

[1] تفسیر آیه نور ﴿الله نور السموت و الارض﴾، ص ۱۴۰ ـ ۱۴۳.

[2] سوره النّازعات (۷۹) آیه ۲۰.

[3] دیوان حافظ، طبع پژمان، غزل ۴۱۶:
ای آفتاب آیینه دار جمال تو *** مشك سیاه مجمره گردان خال تو

حقّ بین نظری باید، تا روی تو را بیند *** چشمی که بوَد خود بین، کی روی تو را بیند[1]

هرچه از خودبینی کم بشود به خدا بینی اضافه می‌شود، وهر چه به خودبینی اضافه بشود جنبه آیتیّت کم می‌شود، انسان خدا را نمی‌بیند. شما آیینه خیلی خوب را دست بگیر و خرابش کن، پشت جیوه‌اش را چیزی بمال و خراش بده، این‌قدر در این آیینه خطوط نامناسبی پیدا می‌شود که شما بعضی اوقات صورت خود را نگاه می‌کنید وحشت می‌کنید، آیینه را زمین می‌زنید، می‌شکنید، آیینه دیگر نیست. انسان هم در اثر معصیت همین‌طور می‌شود، آن‌قدر جنبه خودبینی و استکبار و استقلالش زیاد می‌شود، که دیگر نمی‌تواند خدا را نشان بدهد، امّا در جنبه طاعت اگر برود جلو، این خودبینی‌اش کم می‌شود و خدابین می‌شود.[2]

---

۱ دیوان اشعار سید عماد الدین نسیمی.

۲ تفسیر آیه نور ﴿الله نور السموت و الارض﴾، ص ۱۴۴ ـ ۱۴۵.